

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۰

صفحات: ۳۳-۴۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۶/۱۶

درآمدی بر تاریخ‌گرایی در روابط بین‌الملل: جامعه‌شناسی تاریخی و زمینه‌های پژوهشی مشترک در روابط بین‌الملل

دکتر طاهره ابراهیمی‌فر* / سیدعلی منوری**

چکیده

این نوشته در صدد مروری کلی بر تاریخ‌گرایی در رشته روابط بین‌الملل و ارزیابی آثار این مسأله بر امر پژوهش در این حوزه معرفتی است. در این ارتباط، بصیرت تاریخ‌گرایانه در روابط بین‌الملل مبین پیوندی میان داده‌های موجود و نظریه است. از این نظر با یافتن دلایل رویدادهای تاریخی می‌توان به تبیین‌هایی وثیق و به دور از پیش‌پنداشت‌های موجود دست یافت. ورود جامعه‌شناسی تاریخی به رشته روابط بین‌الملل، به‌عنوان فراتحلیلی که متضمن نگرش تاریخی است، نویدبخش مساهمتهای مهم در نظریه‌های روابط بین‌الملل در دو سر طیف مناظرات موجود است. جامعه‌شناسی تاریخی به‌صورت بالقوه می‌تواند زمینه انجام پژوهش‌های مشترک را بر مبنای نظریه‌های متنوع روابط بین‌الملل فراهم کند.

کلید واژه‌ها

تاریخ‌گرایی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی تاریخی.

dr_ebrahimifar@yahoo.com

* دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

** دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

پرداختن به مقوله تاریخ، یا تاریخ‌ورزی، یکی از دیرینه‌ترین دغدغه‌های بشری بوده است. تاریخ، خواه به صورت مستقیم و خواه به صورت غیر مستقیم، در تکوین و انباشت دانش بشری نقش داشته است. در این میان، علوم اجتماعی به عنوان دانشی که به گونه‌ای تنگاتنگ با الزامات زندگی بشری پیوند داشته و دارد، نسبتی ویژه با تاریخ می‌یابد؛ چرا که درک تحولات علوم اجتماعی جز در سایه توجه به روند تاریخ امکان‌پذیر نیست. برای مثال، مطالعه فلسفه، اندیشه‌های سیاسی، عقائد اقتصادی، و نظریه‌های روابط بین‌الملل مستلزم مطالعه تاریخ زمینه‌های ذکر شده است.

پیوند میان تاریخ و علوم اجتماعی چندان وثیق و مستحکم است که فرضاً میلز نمی‌تواند هیچ علم اجتماعی را تصور کند که از تاریخ فراتر رود (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۰۵)، وبر از رابطه ذاتی میان امر اجتماعی و امر تاریخی سخن به میان می‌آورد (مندالیوس، ۱۳۸۷: ۱۴۰)، آرون (۱۳۸۷) از دشواری تعیین مرز تاریخ و جامعه‌شناسی صحبت می‌کند، و والرش‌تاین (۲۰۰۸) به جای تاریخ علم اجتماعی، علم اجتماعی تاریخ را مورد نظر قرار می‌دهد (Wallerstien, ۲۰۰۸). اما مسأله‌ای که علی‌رغم پیوستگی علوم اجتماعی و تاریخ مناقشه برانگیز شده، چگونگی استفاده از تاریخ در تدوین پژوهش‌های علوم اجتماعی است. در واقع مسأله در اینجا است که روش‌شناسی تاریخی چگونه می‌تواند در خدمت علوم اجتماعی قرار گیرد.

در وهله نخست به نظر می‌رسد نوعی دوگانگی میان علوم اجتماعی و تاریخ وجود دارد: در حالی که علوم اجتماعی معطوف به رویکرد قانون‌نگر^۱، قیاس، و نظریه‌های عام است؛ تاریخ متوجه رویکرد یکه‌انگار^۲، استقراء، و توصیفات خاص است (Calhoun, ۱۹۹۸: ۸۴۸). بدین قرار مباحثاتی در خصوص تبیین، توصیف، عینیت، ذهنیت، علیت، اغراض، و ارزش‌ها در حوزه تاریخ‌گرایی مطرح می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۹؛ استفورد، ۱۳۸۲؛ جنکینز، ۱۳۸۷).

آن‌چه که به هیچ وجه نمی‌توان در مورد آن تردید روا داشت آن است که استفاده از روش‌های تکرار پذیر^۳ علوم دقیقه در قلمرو تکرارناپذیر^۴ امور انسانی امکان‌پذیر نیست (Gaddis, ۱۹۹۹: ۸۳). در عین حال باید به این نکته نیز توجه کرد که نظریه‌پردازان علوم

۱- Nomothetic Approach

۲- Idiographic Approach

۳- Replicable

۴- Unreplicable

اجتماعی نظریه‌های عمومی را پایه‌ریزی می‌کنند و آن‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهند؛ در حالی که مورخین از نظریه، یا مجموعه‌ای از نظریه‌ها در جهت ساختارمند کردن تفاسیر خود از رویدادهای خاص استفاده می‌کنند. از این نظر مورخ می‌تواند به بازسازی گذشته، صرف نظر از پیش‌پنداشتها و قضاوت‌های موجود، بپردازد (Levi, ۱۹۹۷: ۲۴-۳۲).

در کنار مطالب فوق شاید بتوان به ادعا قابل توجه ادوارد کار در پاسخ به این پرسش که تاریخ چیست؟ اشاره کرد. از دید کار (۱۳۸۷) تاریخ کنش و واکنشی مداوم میان مورخ و امور واقع^۱، و گفت و شنودی بی‌پایان میان حال و گذشته است (کار، ۱۳۸۷: ۵۹). در واقع همچنان که کالینگوود (۱۳۷۶) گفته است، اندیشه و موضوع تاریخ غیرقابل تفکیک هستند (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۱۴-۷). در این ارتباط همچنان که گالهن (۱۹۹۸) اشاره می‌کند، نظریه تاریخی متضمن (۱) نظریه‌ای در باب شکل‌گیری تاریخ، گسست‌ها و تداوم‌های آن، (۲) نظریه‌ای آگاهانه در مورد ویژگی تاریخی خود و پدیده‌ای که مورد مطالعه قرار می‌دهد، است (Galhoun, ۱۹۹۸: ۸۶۸).

استنلی هوفمان عقیده دارد آن نقش معمارانه^۲ را که ارسطو برای علم سیاست قائل شده بود برای رشته روابط بین‌الملل نیز می‌بایست تخصیص داد، چرا که این رشته، علمی اجتماعی است که با فهم فرایندهای بلندمدت تغییر که بشریت را به‌عنوان یک کل متأثر می‌سازد - بیشترین ارتباط را دارد (Linklater, ۲۰۰۷: ۳۵۵). وی معتقد است مطالعات مربوط به رشته روابط بین‌الملل باید بر مبنا روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی^۳ بنیان نهاده شود. نیت وی از این گفته، بررسی پیوند این رشته با زندگی سیاسی داخلی بود (Rosenberg, ۲۰۰۶: ۳۰۷-۳۰۸).

گفتار اول: ارزیابی جامعه‌شناسی تاریخی به‌عنوان فراتحلیلی در رشته روابط بین‌الملل

در ادامه این نوشته تلاش می‌شود دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی به‌عنوان فراتحلیلی در رشته روابط بین‌الملل که به‌صورت بالقوه حاوی نگرش تاریخی است، مورد ارزیابی قرار گیرد. جامعه‌شناسی تاریخی، در مفهوم عام، متضمن نگره‌ای جامعه‌شناختی - توجه به ساختارها و فرایندها - و نگره‌ای تاریخی - تاریخ‌مندی ساختارهای اجتماعی - است (اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۶). به عبارت دیگر، «جامعه‌شناسی تاریخی معطوف به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و تحول

۱- Facts

۲- Architectonic

۳- Historical Sociology

ساختارها، نهادها، و فرایندهای اجتماعی است» (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۸). این که تا چه حد بتوان به استقلال این دو حوزه توجه داشت، امری مسأله‌آفرین است.

همچنان که هابسون و لاوسون (۲۰۰۸) ذکر می‌کنند، پس از جنگ سرد توجهی دوباره به تاریخ، در چهارچوب رشته روابط بین‌الملل، معطوف شده است. از این نظر توجه به جامعه‌شناسی تاریخی مبین تدوین پژوهش‌هایی است که به لحاظ تاریخی پُرمايه، و به لحاظ نظری سازنده باشند (Hobson & Lawson, ۲۰۰۸: ۴۱۷). در واقع به بیان مبی (۲۰۰۷) جامعه‌شناسی تاریخی از این جهت که تحلیل تاریخی و تحلیل نظری را ترکیب کرده، رویکرد ارزشمندی در رشته روابط بین‌الملل است (Mabee, ۲۰۰۷: ۴۳۲). از سوی دیگر، لاوسون (۲۰۰۶) عقیده دارد به دنبال شکوفایی نظری در رشته روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد، در مقایسه با اقتصاد، سیاست و نظریه سیاسی، جامعه‌شناسی به گونه‌ای فزاینده تأثیرگذار بوده است (Lawson, ۲۰۰۶: ۳&۸).

جامعه‌شناسی تاریخی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به رشته روابط بین‌الملل وارد شده است (Lawson, ۲۰۰۷: ۳۴۴). از نگاه بامبارا (۲۰۱۰) جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل، نه جامعه‌شناسی و نه تاریخ صرف است. وی حاصل تقارب جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین‌الملل را تمرکز بر موضوعاتی نظیر چگونگی شکل‌گیری دولت، مناسبات بین‌المللی، و ظهور و تکامل روندهای جهانی قلمداد می‌کند (Bhambara, ۲۰۱۰: ۱۳۱-۱۳۲).

از سوی دیگر لاوسون (۲۰۰۷) کارهای انجام شده به دنبال ورود جامعه‌شناسی تاریخی به رشته روابط بین‌الملل را متمرکز بر مسائلی چون تحلیل خاستگاه‌های نظام‌های بین‌المللی در طی زمان‌ها و مکان‌های مختلف، آشنایی‌زدایی از اسطوره ۱۶۴۸، تحلیل خاستگاه‌های غیرغربی نظام جهانی معاصر، رابطه هم-تکوینی میان قلمرو بین‌المللی و مناسبات دولت-جامعه در روندهای تغییر اساسی، بررسی منطق اجتماعی نظم‌های مالی بین‌المللی، و بررسی ابعاد بین‌المللی تجدد می‌داند (Lawson, ۲۰۰۷: ۳۴۴).

در این میان، اشرودر (۱۹۹۷) با مد نظر قرار دادن تناسب بالقوه میان تاریخ بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل در جهت استفاده از مواد خام و یافته‌های این دو حوزه توسط یکدیگر (Schroeder, ۱۹۹۷: ۷۰)، هابسون (۲۰۰۷) با انتقاد از غیرتاریخی بودن جریان اصلی روابط بین‌الملل (Hobson, ۲۰۰۷: ۴۱۵)، و المَن‌ها (۲۰۰۸) با فاقد معنا دانستن رشته روابط بین‌الملل

بدون تاریخ و گرایش تاریخی^۱ (Elman & Elman, ۲۰۰۸, ۳۵۹-۳۶۰)، این دستاورد فکری لائوسون (۲۰۰۷) را یادآوری می‌کنند که تفکیکی میان نظریهٔ بسترمند^۲ - که در آن نظریه از روایت فراگیر مورخ تبعیت می‌کند - و نظریهٔ فراگیر^۳ - که در آن روایت از بایسته‌های نظری نظریه‌پرداز تبعیت می‌کند - وجود ندارد (Lawson, ۲۰۰۷: ۳۵۶).

از نظر مبی (۲۰۰۷) جامعه‌شناسی تاریخی موهبتی برای رشتهٔ روابط بین‌الملل است، چراکه هم به نیروهای کلانی که در نظریهٔ سنتی اجتماعی بسط و تکامل یافته‌اند معطوف است و هم رویکردی عینی‌تر به تاریخ، نه بر حسب ایجاد قوانین جهانشمول، بلکه در جهت کشف پویای روندهای تداوم و تغییر دارد (Mabee, ۲۰۰۷: ۴۳۲). از این نظر دانش‌پژوهان نسل جدید در رشتهٔ روابط بین‌الملل متفقاً بر این مسأله تأکید می‌کنند که تجزیه و تحلیل موضوعاتی چون حاکمیت، توازن قوا، دموکراسی، عدم مداخله، و یا هژمونی نمی‌توانند خارج از تاریخ انجام شوند، چراکه امور واقع بدون زمان در روابط بین‌الملل فاقد معنا هستند (Elman & Elman, ۲۰۰۸: ۳۵۹-۳۶۰).

نظریه‌های روابط بین‌الملل از واقع‌گرایی در اشکال سنتی آن و نوواقع‌گرایی (واقع‌گرایی ساختاری) گرفته تا مجموعهٔ آرمان‌گرایی، و نو-لیبرالیسم تا سازه‌نگاری چالشی بنیادین برای مفروضات و اهداف تبیین تاریخی ایجاد نمی‌کنند و اصولاً مانعی در جهت همکاری بین تاریخ و روابط بین‌الملل وجود ندارد (Schroeder, ۱۹۹۷: ۷۰). در این ارتباط لازم به ذکر است که مکتب انگلیسی نیز همچنان که دان (۲۰۰۷) عنوان می‌کند، با تمرکز بر وجه تفسیری پژوهش، یکی از مهم‌ترین مختصات مکتب انگلیسی را با توجه به نیاز جامعهٔ دانشگاهی، فهم تاریخی عمیق قلمداد می‌کند (Dunne, ۲۰۱۰: ۱۳۹). در واقع نقطهٔ عزیمت در این مکتب، دو مقولهٔ تاریخ و جامعهٔ بین‌المللی است.

نباید از خاطر دور ساخت که یکی دیگر از دستاوردهای بسیار مهم جامعه‌شناسی تاریخی - دست کم برای پژوهشگران ایرانی که به دنبال دیدگاه‌های بدیل هستند - عطف توجه به حوزه‌های تاریخی - تمدنی غیر از اروپا است. از این رو، با اتخاذ این چشم‌انداز، دیگر تحلیل موضوعاتی چون موضوع پژوهش‌های تاریخی از دیدگاه نمونهٔ آرمانی تجدّد^۴ و شاخص‌های

۱- Historical Turn

۲- Embedded Theory

۳- Encompassing Theory

۴- Ideal Type of Modernity

مرتبط با آن ضرورتی ندارد. در این خصوص بامبرا (۲۰۱۰) اصطلاح «تواریخ به هم پیوسته»^۱ را ارائه می‌کند (Bhambra, ۲۰۱۰, ۱۳۹). دانروینتر و کِنیدی (۲۰۰۷) نیز این خط فکری را در خصوص شکل‌گیری دولت دنبال کرده‌اند (Dannreuther & Kennedy, ۲۰۰۷: ۳۷۷-۳۷۸).

در این ارتباط باید به نقش قیاس‌های تاریخی^۲ نیز توجه کرد. هر قیاس تاریخی ترکیبی از دو بلوک ساختمانی ابزار حمل^۳ و مضمون^۴ است. ابزار حمل معطوف به رویداد تاریخی یا دوره تاریخی خاص است؛ در حالی که مضمون با پدیده‌ای که می‌خواهیم آن را برای خود قابل فهم سازیم، مرتبط است (Kornprobst, ۲۰۰۷: ۳۱). با عنایت به این دو بلوک ساختمانی می‌توان بسیاری از موضوعات را که به ظاهر در سایه تجدد بیرون از دایره تاریخ جامعه بین‌المللی غربی گذاشته می‌شوند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.

همچنین لازم به ذکر است به لحاظ معرفت‌شناختی همچنان که اسکاچپول (۱۳۸۸) عنوان می‌کند، یکی از مهم‌ترین بینش‌ها در جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی بوده که معطوف به کشف نظم‌های علی در تاریخ است (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۲۰-۵۱۵). این تحلیل گذشته‌نگرانه^۵ به بازسازی گذشته، مستقل از پیش‌پنداشت‌ها و قضاوت‌های ارزشی توجه دارد (Levy, ۱۹۹۷: ۲۶)، و می‌تواند از طریق ردگیری فرایندها، همچنان که گدیس (۱۹۹۷) عنوان کرده است (Gaddis, ۱۹۹۷: ۸۳)، یک تبیین علی ارائه دهد.

گفتار دوم: نمونه‌های آرمانی ارتباط میان تاریخ‌گرایی و رشته روابط بین‌الملل

در این مبحث، نویسنده یکی از برجسته‌ترین تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته در خصوص ارتباط میان تاریخ‌گرایی و رشته روابط بین‌الملل را ارائه می‌کند. این تقسیم‌بندی توسط هابسون و لاسون (۲۰۰۸) انجام شده است. این دو با توجه به چهار وجه اصلی پژوهش تاریخی در روابط بین‌الملل، را به قرار ذیل بر می‌شمرند:

۱- Connected Histories

۲- Historical Analogy

۳- Vehicle

۴- Tenor

۵- Retrospective

۶- Processes-Tracing

الف) تاریخ بدون تاریخ‌گرایی^۱

این نمونه آرمانی متضمن دو نظریه نهاد‌گرایی نولیبرال و نواقع‌گرایی است که به دنبال کاربرد جهانشمول روایت کلان^۲ از تاریخ هستند.

ب) تاریخ‌گرایی بنیادی^۳

این نمونه آرمانی منبعث از نقد ادبی است. مطابق آن، اثر ادبی محصول زمان و مکان خاص است. هر اثر یا متن بازتابی از قلمرو فرهنگی و فکری منحصر به فرد است. این بافتار‌گرایی عمیق^۴ ریشه در کارهای فوکو و دریدا دارد و پس‌اساختارگرایان این‌گرایش را در روابط بین‌الملل دنبال کرده و می‌کنند. آن‌ها بر عدم تعیین^۵ تاریخ تأکید می‌ورزند.

ج) تاریخ سنتی^۶

این نمونه آرمانی با الهام از روش‌شناسی اثبات‌گرایانه رانکه، به تاریخ حقیقی^۷ توجه دارد. در این رویکرد تمایز میان امور واقع و ارزش‌ها مورخین را قادر به ایجاد شکلی از حقیقت می‌کند. از دید تاریخ‌گرایان سنتی جهانی خارج از سوژه‌ها وجود دارد که می‌توان آن را با تجزیه و تحلیل تاریخی تبیین کرد. آن‌ها رویکردی موشکافانه و عینی/ غیرنظری نسبت به بایگانی‌ها و اسناد دست اول دارند. مورخین سنتی کاربرد الگوهای نظری پیشینی را در مطالعه تاریخ رد می‌کنند.

د) جامعه‌شناسی تاریخی تاریخ‌گرا^۸

نماینده این نمونه آرمانی، کار است. این نمونه آرمانی هم به نظریه و هم به تاریخ توجه دارد. نمونه آرمانی یاد شده از یک سو به بافت تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و محیطی توجه دارد؛ و از سوی دیگر از دیدگاه آن، بازمانده‌های تاریخی می‌توانند حاوی حقیقت مطلق

۱- History without Historicism
۲- Grand Narrative
۳- Radical Historicism
۴- Deep Contextualize
۵- Indeterminacy
۶- Traditional Historicism
۷- Proper History
۸- Historicist Historical Sociology

در مورد گذشته باشند. در واقع جامعه‌شناسی تاریخی تاریخ‌گرا، خود، به مثابه یک زمینه میانی^۱ است: هم نقش تصادف، احتمال، کارگزاری، بافت‌مندی، و خاص‌بودگی (فردیت) مورد تصدیق قرار گرفته و هم به موازات آن، ساختار و تداوم مورد توجه قرار می‌گیرد (Hobson and Lawson, ۲۰۰۸: ۴۲۰-۴۳۰).

نتیجه‌گیری

در این نوشته تلاش شد به گونه‌ای اجمالی مهم‌ترین مسائل مطرح در خصوص تاریخ‌گرایی در رشته روابط بین‌الملل مطرح گردد. روابط بین‌الملل به‌عنوان رشته‌ای نسبتاً جدید در میان سایر رشته‌های علوم انسانی - اجتماعی می‌تواند به نحوی فزاینده از دستاوردهای تاریخ‌گرایی و روش‌شناسی تاریخی استفاده کند. در این ارتباط به نظر می‌رسد خلأیی جدی در خصوص اجرا و تدوین پژوهش تاریخی در میان پژوهشگران رشته روابط بین‌الملل وجود دارد. از این نظر حتی جریان اصلی روابط بین‌الملل، یعنی نواقع‌گرایی و نهادگرایی نولیبرال، نیز می‌توانند درس‌های تاریخی را در پژوهش‌های علمی خود لحاظ کنند.

راست‌کیشی علم‌گرایی در هارتلند ایالات متحده نتوانسته است از ظهور دیدگاه‌های تاریخ‌گرا و توسعه تاریخ‌گرایی و روش‌شناسی تاریخی جلوگیری به عمل آورد. جامعه‌شناسی تاریخی از این رهگذر به تدریج در حال تثبیت جایگاه خود است. این دیدگاه به‌عنوان یک فراتحلیل می‌تواند داده‌های مورد نیاز نظریه‌های روابط بین‌الملل در دو سر طیف را در اختیار نظریه‌پردازان و دانش‌پژوهان قرار دهد. نظریه‌های نظام جهانی والرش‌تاین و پایان تاریخ فوکویاما، اگرچه تصویری کاملاً متعارض از تاریخ‌گرایی به دست می‌دهند، شواهدی مناسب - هرچند تخیلی - در این خصوص هستند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

آرون، ریمون (۱۳۸۷). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

^۱ - Middle Ground

- اتکینسون، آر. اف. و دیگران (۱۳۷۹). *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات طرح نو.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه سید هاشم آقاجری. تهران: نشر مرکز.
- اسمیت، دنیس (۱۳۸۶). *برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه سید هاشم آقاجری. تهران: انتشارات مروارید.
- جنکینز، کیت (۱۳۸۷). *بازاندیشی تاریخ*. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات آگه.
- کار، ئی. اچ. (۱۳۸۷). *تاریخ چیست؟*، ترجمه حسن کامشاد. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- کالینگوود، آر. جی. (۱۳۸۵). *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه علی‌اکبر مهدیان. تهران: نشر اختران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- همیلتون، گری جی. و دیگران (۱۳۸۷). *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه هاشم آقاجری. تهران: انتشارات کویر.

ب) منابع انگلیسی

- Bhambra, Gurinder K. (۲۰۱۰). "Historical Sociology, International Relations and Connected Histories". *Cambridge Review of International Affairs*, ۲۲(۱): ۱۲۷-۴۳.
- Calhoun, Criag (۱۹۹۸). "Explanation in Historical Sociology: Narrative, General Theory, and Historically Specific". *American Journal of Sociology*, ۱۰۴(۳): ۸۴۶-۷۱.
- Dannreuther, Roland and Kennedy, James (۲۰۰۷). "British Decline and US Hegemony with Lessons for International Relations". *International Politics*, ۴۴: ۳۶۹-۸۹.
- Dunne, Tim (۲۰۱۰). "The English School" in Tim Dunne, Milja Kurki, & Steve Smith. *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, ۲nd Edition. Oxford: Oxford University Press. ۱۳۵-۵۶.
- Elman, Colin & Elman, Miriam Fendhus (۲۰۰۸). "The Role of History in International Relations". *Millennium-Journal of International Studies*, ۳۷(۲): ۳۵۷- ۶۴.

- Gaddis, John Lewis (۱۹۹۷). "History, Theory, and Common Ground". **International Security**, ۲۲(۱): ۷۵-۸۵.
- Hobson, John M. (۲۰۰۷). "Reconstructing International Relations through World History: Oriental Globalization and the Global-Dialogic Conception of Inter-Civilizational Relations". **International Politics**, ۴۴: ۴۱۴-۳۰.
- Hobson, John M. and Lawson, George (۲۰۰۸). "What is History in International Relations". **Millennium-Journal of International Studies**, ۳۷(۲): ۴۱۵-۳۵.
- Kornprobst, Markus (۲۰۰۷). "Comparing Apples and Oranges? Leading and Misleading Uses of Historical Sociology". **Millennium-Journal of International Studies**, ۳۶(۱): ۲۹-۴۹.
- Lawson, George (۲۰۰۶). "The Promise of Historical Sociology in International Relations". **International Studies Review**, ۸: ۳۹۷-۴۲۳.
- Lawson, George (۲۰۰۷). "Historical Sociology in International Relations: Open Society, Research Program and Vocation". **International Politics**, ۴۴: ۳۴۳-۶۸.
- Levy, Jack S. (۱۹۹۷). "Too Important to Leave to the Other: History and Political Science in the Study of International Relations". **International Security**, ۲۲(۱): ۲۲-۳۳.
- Linklater, Andrew (۲۰۰۷). "World History and International Relations". **International Relations**, ۲۱(۳): ۳۵۵-۹.
- Mabee, Bryn (۲۰۰۷). "Levels and Agents, States and People: Micro-Historical Sociological Analysis and International Relations". **International Politics**, ۴۴: ۴۳۱-۴۹.
- Rosenberg, Justin (۲۰۰۶). "Why is There No International Historical Sociology?". **European Journal of International Relations**, ۱۲(۳): ۳۰۷-۴۰.
- Schroeder, Paul W. (۱۹۹۷). "History and International Relations Theory: Not Use or Abuse, but Fit or Misfit". **International Security**, ۲۲(۱): ۶۴-۷۴.
- Wallerstein, Immanuel (۲۰۰۸). "What is Historical Social Science?" The Social Science Research Council. *Contention, Change, and Explanation: A Conference in Honor of Charles Tilley*. New York, October ۳-۵.
- Weber, Max (۱۹۹۲). **The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism**. Translated by Talcot Parsons. With an Introduction by Anthony Giddens. London: Rutledge.